

در انتظار نور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نویسنده: انجنیر محراب الدین "جویا"
کمپیوٹرایز: سمیع اللہ "شارق"
تاریخ نگارش: (بمناسبت بہار سال ۱۳۹۱)
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
تاریخ طبع: ۱۳۹۴
نمبر تماس نویسنده:
۰۷۰۰۷۱۸۹۴۹

حق طبع محفوظ است.

فهرست مطالب:

۱. مقدمه
۲. تصویری مختصری از جاهلیت آنروز (قبل از بعثت پیامبرص)
۳. تصویری از جاهلیت امروز
۴. انحرافات فعلی جوامع اسلامی در ابعاد گوناگون
۵. انحراف فکری و عقیدتی
۶. انحراف عملی
۷. انحراف عبادی
۸. انحراف سیاسی
۹. انحراف اقتصادی
۱۰. انحراف اخلاقی
۱۱. انحراف اجتماعی
۱۲. وضعیت عمومی در جهان
۱۳. ضرورت به انقلاب
۱۴. اشخاص معنوی و رهبری جهان

مقدمه

وضعیت فعلی جهان نمایانگر آنست که بشریت در آتش جاهلیت حاکم در دنیا میسوزد خاصتاً جهالتی که در روحیه زعما و قدرتمندان عصر حاضر حکومت مینماید، و ایشانرا در زندان های گوناگون قدرت طلبی شهرت خواهی و ثروت اندوزی محبوس داشته و تمامی ارزش ها نزد ایشان بنابر کوری، کری که دامنگیرشان گردیده ارضای تمایلات نفسانی و برآورده شدن هواجس شهوانی آنها را تشکیل داده چراکه حس دینی در اینگونه افراد کاملاً مرده و برخلاف احساس و درک لذایز دنیوی زنده، بیدار و فعال و دست اندر کاراند- به تعبیر قرآن کریم: (لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا) {ایشانرا قلب هاست که دانش ندارند.

(لَّا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ]سوره الحج: ۴۶| چشم های ظاهر نابینا نمیشوند بلکه قلوب که در سینه هاست کور می شوند.

بناء فقدان دانش و بینش قلبی که منشأ همه خوبی ها و زیبایی های انسان بوده و ازدولت ایمانی و خداپرستی تغذیه شده و از منابع اصیل دینی تقویه میگردد و تکامل می یابد، انسانرا بسوی تاریکی ها سوق داده و درمنجلاب بدبختی و شقاوت و جاهلیت اسیر میدارد.

مسلماً دراین روزها که سال کهنه به سال جدید مبدل میگردد، ازدرگاه ذات قادر و مهربان اوتعالی مسئلت می نمائیم تااین کهنه گی و افسردگی اولاد آدم رانیز به تازه گی و نشاط و شادابی روحانی و معنوی مبدل نماید و خاصتاً به مسلمین توفیق درک حقیقت دین و اسرار آن را طوری لطف فرماید تا رسالت شانرا مبنی برهدایت و رهبری بشریت ازظلمت و تاریکی ها بصوب نوروروشنی آگاهانه درپرتودستورپروردگار لایزال (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) {ال عمران: ۱۱۰} شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا [۹- ۱۰: الشمس]

که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! پی برده و به تربیه و تزکیه خود و دیگران پرداخته و باللهام گیری از کلام خداوند ذوالجلال والاکرام (إِنَّا كَرَّمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ) {الحجرات: ۱۳} گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ کرامت و بزرگی را در تقوا دیده و بانگرش عمیق و دقیق به عمق مفهوم آیه شریف (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) {آل عمران: ۱۰۳} در وحدت آوری و ایجاد فضای همدلی و همسویی جهان اسلام کوشا بوده و با تحلیل ارمغان آور و نویدبخش کلام ربانی: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) {الفتح: ۲۸} پیروزی حقیقی، کلی و همه جایی و نهایی دین مقدس اسلام را بر همه ادیان دیگر با جذب نصرت خدا (ج) استقبال نمایند.

(رب اغفر لی وتب علی انک انت التواب الغفور).

تصویری از جاهلیت آنروز:

یکی از دانشمندان اسلام (شیخ الاسلام احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله دهلوی م-۱۱۷۶)

با مهارت کامل تصویری از جاهلیت بدست آورده است:

(زمانیکه رومیان و عجم ها، قرن های طولانی وارد خلافت شدند، در لذت های دنیا فرورفتند، آخرت را به فراموشی سپردند، شیطان بر آنان غلبه نمود و در فراهم آوردن امکانات زندگی حریصانه سعی نمودند و بدان فخرجویی کردند، دانشمندان از سرزمین های دور جهت استخراج و بیان شیوه های دقیق زندگی و امکانات آن به سراغ شان می آمدند، آنان همواره آن امکانات را به کار می بستند و بدان ها می افزودند. و به خود مباهات میکردند، این وضعیت تاجایی رسیده بود که اگر کسی از رؤسا کمربند یا تاجی می پوشید که قیمتش از صد هزار درهم کمتر بود، وی را نکوهش میکردند، آنچه امروز در زندگی مقامات کشور مشاهده می کنید برای مقایسه کافی خواهد بود.

بنابراین آنها برای سعادت اخروی هیچ توجهی نداشته
و اساسات قدرت آنها نیز ازدست داده بودند، بسا اوقات در یک منطقه
وسیع یک نفر هم نبود که دینش را مورد توجه قرار دهد.....

جهان جاهلانه که محمد (ص) با آن مواجه شد، جامعه را
دید که مدل کوچک شده از کل جهان بود، در آن هر چیز شکل
اصلی اش را ازدست داده بود و محلش را رها کرده بود، در آن
جامعه گرگ چوپان کله و دشمن ظالم به عنوان قاضی تعیین شده
بود، زورمند و مجرم خوش بخت و سعادت‌مند بود و انسان مظلوم و بی
گناه محروم و بدبخت. در آن جامعه هیچ چیز نایاب تراز معروف
و رایج تراز منکر نبود.....)

این بود تصویری مختصری از جاهلیت که دانشمندان
در رابطه ابراز نظر فرموده اند، این یک حقیقت است که همه پیامبران
و علی الخصوص پیامبر آخر زمان زمانی مبعوث گردیده‌اند که زوال
جوهر عالیه انسانیت نه تنها کاملاً متصور بود، بلکه طور شهودی
و عملی و علنی به وضاحت مشاهده می‌گردید. عباره دیگر در آن زمان

آدمیت و انسانیت سیرنزولی خویش را پیموده و کهنه، افسرده و ناکارآ و بدرد نخور بارآمده بود و ایجاب آنرا داشت تا دوباره شخصیت آدمی تعمیر گردد و ساخته شود (کهن گشتند این خاکی نهادان دگر آدم بنا کن از گل ما).

بدون شک این معمار شخصیت آدمی ، آن پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) و یاران پاک دل و اصحاب کبار و بزرگ مردان بعدی و پیروان حقیقی علمی و عملی آن منجی عالم بشریت اند که بادستان پاک و بی آلایش و روح بزرگ و دید وسیع روحانی و توحیدی شان دبستان آدم سازی را اساس گذارده و شخصیت های الگو و نمونه به بشریت تحویل داده اند.

تصویری از جاهلیت امروز:

جاهلیت امروز از جاهلیت دیروز به معیار دستیابی بشر به پیشرفت های تخنیکی و ابزار و آلات جنگی و سایر ترقیات، بسیار گسترده و وسیع بوده و زشتی های آن در همه ابعاد به زندگی بشریت سیطره داشته و سلطه جویی اش را طوری روز افزون تحقق پذیر مینماید.

طبق فرموده سید قطب رح : (امروز عبادت ارباب های گوناگون کمتر از عبادت ارباب های پنداری و عینی دوران جاهلیت نیست، بلکه آنچه از آن روز تا امروز تغییر کرده و عوض شده تنها نوع ارباب است نه عبادت ارباب! و نه عبادت شهوات و نه عبادت خرافات).

بجاست تا غرض روشن شدن بهتر موضوع و تثبیت روحیه جاهلانه سردمداران امور و کسانی که به زعم خودشان جهان را رهبری مینمودند و یا مینمایند و تمام فجایع غم افزا و تخریب گریز ستور هم چو اشخاص هنوز هم طور مستقیم و یا غیر مستقیم انجام می پذیرد و همچنان کینه دیرینه با اسلام و مسلمین داشته و دارند، و بدون شک در راس رهبری جنگ های جهانی اول و دوم همین گونه افرادی

قرارداشتند که از نظر جهان بینی و اعتقادات یکسان بوده و طرز تفکر شان از یک منبع تغذیه می‌گردد و آن منبع الحاد و کفر بوده و برضد اسلام عزیز.

و همانگونه بدین نتیجه می‌رسیم که علم ، تمدن و ترقی که در چو کات ایمان و دین توجیه و تنظیم نگردد چقدر خطرناک ، زشت و وحشتناک است . در حالیکه دین مقدس اسلام همواره از علم و پیشرفت ستایش نموده و آنرا یک نعمت بزرگ الهی میداند و در اولین سوره که به پیامبر خدا (ص) شرف نزول میابد از قرائت و خواندن، قلم و نوشتن و همه اسرار علمی که بعدها بشر قادر به کشف و اختراع آن میشود سخن به عمل می‌آید. (اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ). {علق: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵}

رسول الله (ص) می فرماید: (الحکمة ضالة المومن حیث وجدها فهو احق بها) الحدیث.

حکمت گمشده مومن است ، هر جا آنرا بیابد وی به آن مستحق

تراست

لهذا وظیفه دین توجیه و تنظیم داشتگی های مادی و معنوی در جهت معینه میباشد که خدا(ج) آنرا بدان منظور آفریده است.

حال برمیگردیم به مقایسه خون ریزی و تلفات صدراسلام و حکامان خون آشام غیراسلامی .

تمام جنگ های که در صدراسلام رخ داده از لحاظ خون ریزی و تلفات جانی در کمترین درجه قرارداد و رقم کشته شده گان دوطرف (کافر و مسلمان) در تمام غزوات و سرایا و زد و خورد های که از سال دوم هجری شروع شده و تا سال نهم ادامه یافت، بیش از (۱۰۱۸) نفر نیست که (۲۵۹) نفر مسلمان و (۷۵۹) نفر کافر بودند.

این در حالی است که شمار زخمی های جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) دقیقاً بالغ بر (۲۱) میلیون و کشته شده گان (۷) میلیون نفر بودند.

مسترمکستن ، عضو پارلمان انگلستان ارزیابی کرده که در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۶م) حدود (۵۰) میلیون نفر مجروح شدند. هزینه کشتن هر فرد در جنگ جهانی اول ده هزار جنیه (یک میلیون تومان) بود و در کل هزینه جنگ جهانی اول بالغ بر (۳۷) میلیارد جنیه که

معادل (۳۷۰) میلیارد تومان و هزینه جنگ دوم جهانی درهریک ساعت یک میلیون جنیه بوده است.

آی - ایچ تاونسند، درمقاله که درروزنامه انگلیسی زبان هندو در ۳۱ ژان ویه (۱۹۴۳م) منتشر کرده ودرآن تحقیق نموده است که شمارکسانی که درجنگ جهانی اول آسیب دیده اند از(۳۷۵۱۳۸۸۶) نفرکمترنیست که ازاین شمارکشتگان (۸۵۹۳۵۱۵) نفر است.

مطالب فوق الذکروحشی بودن متمدن نماهای بی دین وبی ایمان را به تعریف میگیرد وبه ما می فهماند تازمانیکه انسان درچوکات دین پیامبرآخراالزمان تعلیم ندیده وتربیه نگردهد وبه محورقرآن پاک درچرخش نباشد، محال است که او مصدرخدمتی به هموعان شده بتواند، خصوصاً که درراس رهبری ملت ها قرارگیرد ودرآنصورت ضررش ازخیرش حتماً زیادتراست.

اگردرهمین دقایق ولحظات به قتل وقتال وخون ریزی های که به عناوین مختلف درپیش چشمان ما ازطرف دشمنان اسلام وانسان دراعراق وافغانستان وسایرممالک براه افتاده است، دقیقاً

غور شود آمار تلفات آن چند خواهد بود؟! و مسئولیت آن بدوش چی کسانی میباشد؟! همه میدانیم و چون آفتاب روشن است. در جاهلیت آنروز (قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص)) دختران زنده به گور میرفتند اما جاهلیت امروز در این راستا (قتل دختران بسیار وسیع تر و حشتناکتر از آن است).

در کتاب داکتر ذاکرنائیک تحت عنوان زن مسلمان ، بد قسمت نیست خوش قسمت است، آمده است:

(از تلویزیون BBC یک پروگرام نمایش داده شد که عنوانش (بگذارید که بمیرد) بود و این پروگرام را یک ژورنالیست بریتانیایی (ایملی بکنن Emile Becknen) آماده کرده بود و این مسئله خوف ناک واضح گردیده که در هندوستان باآلات مختلفه طبیعت و تست و آزمایش های گوناگون مولود که دختر باشد قبل از تولد گلویش خفه کرده میشود که بدینصورت هر ساله بیشتر از یک میلیون دختر قبل از چشم گشودن بدنیا از بین برده میشوند که بدین ترتیب هر روزه به ذریعه حمل اسقاط کم و بیش سه هزار دختر قبل از زایمان از بین برده میشود.

در این قرن ۲۱ در بازارهای تامل نادو وراجستھان این قتل عام صریح را در پست‌های بزرگ با تزیینات مختلف برخلاف قانون بصورت عام اعلان مینمایند که در آن نوشته شده (۵۰۰) روپیه مصرف کنید و پنج لک روپیه را نجات دهید، حقیقت این اشتهاارات چیست؟ پنجصد روپیه فیس این معاینه طبی و تشخیص جنس است که در رحم مادر طفل پسر است یا دختر.

پنج لک جهیزیه.... در تریه و همچنان خرج جهیزیه آن از طرف خانواده دختر.

به اساس راپور شفاخانه دولتی "تامل نادو" از هر ده طفل دختر چهارتای آن قبل از تولد از بین برده میشود و به همین خاطر تعداد زنان نسبت به مردان کم است).

اما اسلام (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۗ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ
وَأَيَّاكُمْ ۗ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا) {الاسراء: ۳۱} و مکشید اولاد خود را از ترس فقر! روزی میدهیم ایشانرا و شمارا هر آئینه کشتن ایشان هست گناه عظیم.

نبی کریم (ص) به سراقه ابن جعشم فرمودند: (آیا برایت صدقه از همه بزرگتر را نشان ندهم ، او عرض کرد: حتماً بمن بنمائید یا رسول الله ! پیامبر(ص) فرمودند: کفالت آن دخترت که طلاق شود یا بیوه بماند و به سوی تو بیاید و بغیر از تو کدام نان آوری نداشته باشد).

بناءً قابل دقت است از تصویری مختصری که از جاهلیت امروز ارایه گردید و همچنان بایست از این حوادث ناگوار و حشتناک عبرت گرفت ، اما با تاسف برونق فرموده حضرت علی کرم الله وجهه: (اسباب عبرت بسیار است اما عبرت گیرنده کم).

و این یک حقیقت مسلم است که تا در زوایای ظلمت بار و وحشت زده و مکدر کفر و الحاد و بی دینی نور هدایت قرآن با اتباع رسول گرامی اسلام نتابد و بدرخشش نیاید و رسوخ نیابد و از سطح به عمق فرو نرود، محال است که بشریت از این گودال های سیاه و تباه کن سر بر آورده و از این زندان های هوا جس نفسانی آزادی کسب نمایند و به تعبیر یک دانشمند اسلامی : (حس احترام ، صفات

عالیه، کرامت نفس و تمسک به قوانین اخلاقی و خلاصه آنچه که لازمه روح شریف انسانیست، محال است با بدینی و خدانشناسی درآمدی پرورش یابد.

پس بیائید در عقیده خود به ذات اقدس او جل جلاله راسختر شویم، خدا را پرستیم، به هم نوعان خویش مهربی ورزیم، به ارزشهای اعتقادی عمل نمائیم، آنوقت است که ما شایسته ای توجهات و عنایات او جل جلاله واقع خواهیم شد).

الهی! به برکت قدرت کامله و مطلق خویش همانگونه که تغییرات در فصول مختلف می آوری و از فصل مرگ بارزمستان فصل زنده، پرتراوت و پرنشات بهار را می بر آری و به نمایش میگذاری و طبق فرموده ات: (فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) {جائیه: ۵} زمین مرده را زنده میگردانی.

بدون شك همان قدرت لایزالی را در هر لمح و دقیقه داری که از این انسانهای مرده دل، گمراه و بی راه انسانهای زنده دل، پرتحرک، هدایت یافته و راهیاب بسازی و همچنان از ما مسلمانان

بی درد، بی درک، بی فراست و راه گم و مغلوب الشیطان، مردان و ارستهء با دردد، با درک، با فراست و هدایت یافته و با اخلاص که در برابر شیطان و وسوس آن غلبه داشته باشند، و دشمنان را در هر قیافه و لباس بشناسند و برضد همه طواغیت در هر رنگ و چهره که باشند، جهاد و مبارزه کرده و با عزت و سرفرازی زیست نمایند، بر آری.

انحرافات فعلی جوامع اسلامی در ابعاد گوناگون:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ
بِقَوْمٍ يَحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ
يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان

متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندان؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست).

انحراف یعنی کج شدن و از راه مستقیم هدایت (اهدناالصراطه المستقیم) به بی‌راهه به سیروسیاهت بدون هدف پرداختن، انحراف یعنی دور شدن و برآمدن از چوکات اوامر خدا و سنت رسول الله (ص) و یابانه‌ی عباره دیگر برداشت درست نداشتن از اسلام و یا روی‌انگیزه‌های نفسی توجیحات و تاویلات نادرست از قرآن و سنت کردن و به محورمنافع شخصی و دنیوی چرخیدن، باشد.

امروز اکثریت جوامع اسلامی از خط پیامبر اکرم ص عملاً انحراف ورزیده‌اند و بنابراین ذلت‌های پیاپی بر آنان تحمیل گردید و باشانه خالی کردن و سهل‌انگاری در وظیفه‌شان که آنهم رهبری بشریت بسوی نور، سعادت و فلاح هر دو جهان است، بدنیا دل بستند و باهم‌دیگر درگیر شدند و متفرق و متشتت خلاف دستور خداوندج):

واعتصموا بحبل جمعاً ولا تفرقوا.....) حیات بسربرده ووقارو حیث معنوی شانرا طبق فرموده پروردگار لایزال: (إِوَاطِعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) ﴿الأنفال: 46﴾ (و فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!

درحالیکه به قول استاد سیدقطب رح: (قرآن و سنت (سیرت) محمدرسول الله (ص) دونیروی بزرگی هستند که میتوانند درجهان اسلام حماسه وایمان را برافروزند ودرهرزمان انقلاب بزرگ علیه جاهلیت پدیدآورند وازامت سازش کاروخوابیده امت جوان , برافروخته ازحماسه وغیرت, خشم گین ازجاهلیت وغضبناک ازنظام های طاغوطی وپوشالی بوجود آورد.....)

(امروز درداساسی جهان اسلام, دل بستن به زندگی دنیا, آرمیدن درسایه اوضاع فاسد واصراف بیش ازحد درزندگی است, نه فسادی وی را پریشان میکند ونه انحرافی اورا به حرکت درمی آورد

ونه منکری برانگیخته اش میکند، جز مسئلهء خوراک و پوشاک چیزی دیگری برایش اهمیت ندارد).

قبل از اینکه انواع واقسام انحراف را به بحث بگیریم، لازم است تادمورد انحراف آگاهانه و انحراف ناآگاهانه مختصراً روشنی اندازیم:

انحراف آگاهانه آنست که ازاندیشه، نیت و باطن خلاف دستورات اسلام عمل صورت میگرد و انحراف غیرآگاهانه نسبت نداشتن برداشت درست ازحقیقت دین، مسلمان به بی راهه میروند یعنی اینکه عمدی و قصدی نمی باشد که آنرا لغزش هم گفته میتوانیم که البته درصورت توبه و بازگشت راه برای همچو کسان بازاست.

حال برمیگردیم به توضیح انواع واقسام انحراف که عبارتنداز: انحراف فکری و عقیدتی، انحراف عملی، انحراف عبادی، انحراف سیاسی، انحراف اقتصادی، انحراف اخلاقی و انحراف اجتماعی.

۱. انحراف فکری و عقیدتی :

در این رابطه اگر انحراف مسلمین را مورد بحث قرار دهیم بر مبنای مصلحت پذیری و همه چیز را به عقل سنجیدن و مجسم نمودن میباشد، چرا که سیروسایاحت فکرا نسانی حدود و ضوابطی دارد و از خط و مرز معینه بالاتر پیرش کرده نمیتواند و فکرا بزار شناخت و لازمه مکلف بودن انسان است، اما پاسخ گوی همه نیاز مندی های انسان شده نمیتواند، مسلماً فکرا ر تباط به مغز داشته و داشتگی های مغزی محدود است و خاصتاً جوابگویی خواسته های معنوی شده نمی تواند، اینجاست که فکر به بیراهه سوق گردیده و مسلمان را به سیاه چاه ضلالت و گمراهی محصور می سازد، بدین منظور است که (یومنون بالغیب) یعنی ایمان آوردن به غیب در اسلام من حیث یک اصل عقیدتی پذیرفته شده است: بناءً اگر مسلمان با تعقل و تفکر صاحب بنیش و بصیرت گردد که منبع بنیش قلب انسان و منبع دانش مغز اوست، آنگاه دانش و بنیش سبب ترقی انسان در جهت سلامت، هدایت و نجات او از گمراهی و انحراف فکری و عقیدتی میگردد.

متأسفانه فعلاً اکثریت مسلمانان نسبت ضعف ایمان و نرسیدن غذاهای لازم و مکفی به روح و روحانیت و کوشانبودن در جهت تربیت و تهذیب از صفائیت قلبی و بینش روحی محروم گردیده و معیار قضاوت شانرا درهمه قضایا و خاصتاً موضوعات حکومتداری و سیاست مصلحت بینی ها که ناشی از عقلمقصر انسان است تشکیل داده و با وجود فراگیری علوم و آدرس اسلامی همواره در عمل از خود ضعف نشان داده و به ظواهر بینی و مادیات پرستی بدلیل نداشتن قوت ایمانی گرفتار میگردند، و مثال عملی وزنده آن عده از زعمای و حکام امروزی در بخش های مختلف میباشد که در حیف و میل بیت المال، رشوه ستانی ها و فرورفتن در فسادهای اخلاقی دست بالای دارند.

۲. انحراف عملی:

زمانیکه شخص مسلمان از ضمیر و وجدان و از درون منحرف گردید و برداشت صحیح و درست از مفاهیم معنوی قرآن و احادیث نموده نتوانست، خواهی نخواهی چیزهای کم بها و زودگذر را پر بها

ودوامدار تصور کرده ، آنگاه عملاً بطرف شهوات و خرافات کشیده میشود و در عمل از خود همواره ضعف نشان داده و فقط مصروف جمع و غند متاع مادی شده و صرف تظاهر به اسلام می نماید و از اسلام هم منحنی آله و وسیله در جهت بر آورده شدن امیال فاسد نفسانی و خصوصاً کسب قدرت، شهرت و ثروت استفاده سؤ می نماید و تشخیص جهت همچواشخاص منحرف بطرف دنیا و مادیات تثبیت گردیده و از رفتن در مسیر اهداف بلند معنوی اثر و نشانه از اوشان هم دیده نمی شود، در برابر منکرات کاملاً بی تفاوت و در مقابل تهاجم گوناگون استعمارگران کدام تنفری هم در باطن نمیداشته باشد و به روایت حضرت ابوبکر صدیق "رض" از رسول الله ص: " اگر مسلمانی منکری رایبند و در تغیر آن نکوشد، بیم دارم که خداوند(ج) تمام عقاب آن رفتار را با همه زشتی آن بر آن مسلمان واجب گرداند."

لهدا این انحرافات پیهم مسلمینو بخصوص بی تفاوت بودن شان در برابر منکرات، زشتی ها، ذلت و تجاوز اغیار را برجوامع اسلامی تحویل داده و تمامی ارزشهای معنوی ملل اسلامی علی الخصوص

آزادی و استقلال شان به یغما برده شده و پایگاه های نظامی دشمنان اسلام و انسان طور مستقیم یا غیر مستقیم در ممالک نام نهاد اسلامی نسبت ضعف و رکود معنوی زعما و سردمداران آن مستحکم شده و یامیشود، و این است انحراف عملی.

۳. انحراف عبادی:

عبادت ثمره و بازتاب طبیعی عقیده و ایمان و دلیل بردرستی آن است، اما زمانی که شخص منحرف گردید اولاً عبادت پروردگار را انجام نداده و اگر بالفرض انجام هم دهد نتیجه و ثمره آن طور درست محسوس نگردیده، بلکه برعکس انسان را بطرف سقوط و رکود معنوی سوق می دهد. در این رابطه علامه اقبال لاهوری چه خوب فرموده است:

دلی در سینه دارم بی سروری نه سوزی
در کف خاکم نه نوری
بگیر از من که بر من باردوش است
ثواب این نماز بی حضوری

یا اینکه خواهشات نفسانی به حدی رشد می کند و روبه طغیان میگذارد که طبق فرموده پروردگار:

"أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ" ﴿الْبَجَائِيَّةُ: ۲۳﴾

اگر در مورد عبادات مروری مختصری نمایم، عبادات دوزخ است: عبادات باقیدوشرط که فقه اسلامی بخوبی از عهده آن برآمده است چون: نماز، روزه، زکات و حج، و دوم عبادات بدون قیدوشرط که در جوامع اسلامی کاملاً به فراموشی گذاشته شده از همین جاست که انحراف عبادی آغاز گردیده و بمیان آمده است.

یابه عباره دیگر عبادات بدون قیدوشرط که مهم ترین آن یکی هم تفکر در نظام آفرینش پروردگار و در آن جمال و کمال ذات یکتا را دیدن و آنرا به مرتبه ایمان به قلب جای دادن و حالات عجز و شکر را در خویش یافتن و توکل به ذات اقدس او تعالی داشتن و در مقابل مصایب و مشکلات راه حق صبر کردن و اخلاص در عمل را که نهائی ترین کیفیت بندگی بخداست جل جلاله، در ظاهر و باطن یافتن و خدمت خلق الله را غرض خشنودی او تعالی جل جلاله دایماً انجام دادن باشد، و دیگر عبادت مهم بدون قیدوشرط ذکر خدا جل

جلاله است در خفا و ملا و در پنهان و آشکارا و طور خفیه و یا جهر در همه جا، بروفق نظر امام غزالی (رح) که اصل مسلمانی گفتن کلمه لاله الا الله محمد رسول الله است و آن عین ذکر است و دیگر عبادات تأکید بر آنست.

و در جای دیگر امام غزالی (رح) این طور ابراز نظر مینماید:
(لباب و مقصود عبادات یاد کرد حق تعالی است که عماد مسلمانی نماز است و مقصود وی ذکر حق تعالی است، (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ) ﴿العنکبوت: ۴۵﴾ و در جای دیگر پروردگار میفرماید: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿طه: ۱۴﴾" یعنی بر یادار نماز را بخاطر ذکر من".

طور خلاصه باید گفت که ذکر خدا از جمله عبادات بی

قید و شرط بوده و در همه احوال و همه جا باید انسان از یاد او تعالی غافل نباشد.

عدم لنگراندازی جوامع اسلامی به عبادات بدون قید و شرط و توجه نداشتن بدان و مراقب و مواظب نبودن به فکر و ذکر او تعالی و آنرا سرسری و سطحی دانستن و از زمره فرضیات کشیدن، از عبادات

باقیدو شرط نیز بهره لازم و ثمره کافی بدست نیامده و مسلمین بطرف انحراف عبادی کشیده شده اند.

به تعبیر دیگر در عبادات نیز انحراف بوجود آمد و نسبت نگرفتن نور لازم و انرژی معنوی نه تنها مسلمانان بعد از صدر اسلام کدام فتوحات به نفع اسلام و مسلمین بدست آورده نتوانستند، بلکه خودشان نیز در عملکردهای روزمره از دستور خدا جل جلاله سرپیچی کرده و به دنیا و مادیات دلبستگی و محبت بیش از حد طوری پیدانموده اند که حتی پیروان مکتب ماتریالیزم را در این عرصه به شکست مواجه ساختند. و از آنها درین راستا (محبت به مادیات) پیشی گرفته و سبقت جستند!!

بناءً در همهچو حالات و انحرافات گوناگون آیا میشود که امت

محمدی (ص) رهبری بشریت را بدوش گیرند! و رسالت ایمانی

و وظیفه اصلی و وجدانی شان را ایفانمایند؟

رسول الله (ص) میفرماید: (بدنیا دل میند تا خدا تورا دوست

بدارد و به اموال و دارائی مردم بی میل باش تا مردم نیز دوست داشته

باشند) "ابن ماجه".

رسول خدا فرمود: (**الدنيا ملعونة وملعون ما فيها الا**

ذكر الله وماوا لاه) { دنیا و هر چه در آنست ملعونست الی

ذکر خدای تعالی و آنچه بر آن معاونت کند }.

۴. انحراف سیاسی:

سیاست جزئی از برنامه های اصیل اسلام است که ارتباط
میگردد به نظام سازی یا حکومتداری و تحکیم نظام اسلامی , و بالاخره
صلاحیت قانونگذاری از بشر گرفته شده و به خدا واگذار شده است ,
چرا که انقلاب پیامبر خدا شامل و فراگیر و تمام جوانب انسانی را
دربرمیگیرد و پیام آن شکستن طاغوت هاست چه در ضمیر و وجدان
و چه در دنیای بیرون و واقع.

لذا هر کسی و یا هر قوم و ملت و یا هر قدرت مندی اگر بخواهد

بدون در نظر داشت قانون خدا سلطه براند و حکومت نماید

و از هوا و هوس خویش پیروی نموده و تحمیل ظلم بر مظلومین

و یابندگان خدا نماید, طاغوت است.

لذا اسلام در برابر آن هیچگاه سکوت ننموده ، بلکه به مبارزه دوامدار به پاخواسته تا نابودی کلی آن که همه دین و سلطه و حکومت تنها از آن خدا باشد مبارزه مینماید: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ) {انفال ۳۹} "و با آنها پیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد!"

پیامبر اکرم (ص) انسانسازی نمود، انسان زنده ساخت و روزی پیروز شد که از هر یک یاران قرآن زنده و متحرک ساخت. باید گفت که پیروزی اسلامی در حدود اندیشه اسلامی است، در غیر آن پیروزی نیست و لویه وسیله مسلمین به پیروزی رسیده باشد.

گر نگردد حق ز تیغ ما بلند جنگ باشد قوم را نا آرجمند

در جنگ و رویارویی که عدالت و انسانیت بوجود نیاید و نظام اسلامی تحکیم نگردد و حدود الهی به منصفه اجرا قرار نگیرد و برابری و برادری طبق دستورات دینی تأمین نگردد، آن جنگ و خون ریزی از نظر اسلام ناارجمند بوده و خود یک نوع انحراف سیاسی محسوب

میگردد. و یا در صورتیکه پیروان اسلامی در برابر دو قطب مشخص (شرقی) و (غربی) که اولی دارای مکتبی بوده (مکتب ماتریالیزم) و دومی جزاستعمار مکتبی را نمی شناسد دقیقاً آنها را شناسائی و مبارزه نمایند خود انحراف است.

انحراف سیاسی زمانی مطرح میگردد و بوجود می آید که غرض برآورده شدن اغراض مادی و منافع دنیوی و رسیدن به قدرت، شهرت و ثروت و سایر نظر داشت ها، دین در برابر دنیا معامله گردد و کسانی که در رأس زعامت قرار داشته باشند چه در بخش دولنداری باشد و یا دینی به شکل از اشکال به تجملات و تزئینات روی آورند و دین را وسیله رسیدن به دنیا قرار دهند و در برابر دشمنان اسلام بطور مستقیم و یا غیر مستقیم تابع داری و سازش نمایند تا جائیکه بخاطر کسب قدرت و شهرت و تاجیر و مزدور شوند و از دین منحیث پوششی بمنظور تطبیق برنامه های دیگران (دشمنان اسلام)

کارگیرند و مردم را گول زده و در خفا به خدمت اجانب باشند.

خلاصه اینکه بهر نحو و شکلی که برنامه های اغیار و دشمنان اسلام در موجودیت آن عده اشخاصیکه در رأس رهبری و یاد هر موقوف و مقامی که باشند، تطبیق گردد و حتی اگر بخاطر خوشنودی دیگران ظواهر خود را هم تغییر دهند خود یک نوع انحراف سیاسی محسوب میگردد.

انحراف سیاسی یعنی از برنامه های مرموز دشمنان اسلام بی خبر بودن و یا اینکه مجری برنامه های آن ها شدن و یا با پایگاه های کفر جهانی در خفا ارتباط برقرار نمودن باشد. رسول الله (ص) فرموده اند: (من مشی مع ظالم لیقویه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام) مشکوه.

در موجودیت منحرفین سیاسی نه تنها هیچگاه حکومت عدل الهی بوجود نیامده بلکه ظلم و وحشت و کشت و کشتار و خون ریزی جهت کسب قدرت ادامه

پیدامیکند، وهمان جامعه ویا مملکت خواهی نخواهی به زندانهای سیاسی منقسم میگردد.

انحراف اقتصادی:

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: {فرزند آدم در روز قیامت قدم گذاشته نمی تواند مگر اینکه از چند چیز پیرسان میشود، از عمر او که در کجا و در چه مواردی آنرا فنا کردی، از جوانی اش که در حین جوانی به چه چیز مبتلا بودی (آیا در ارضاشهوات و تمایلات نفسی و یا اینکه در اطاعت پروردگار جلت عظمه)، از مال او که از کدام مدرک پیدانمودی و در کجا صرف کردی و از علم او که چگونه عمل کردی (بدان)}.

بناءً مسئولیت فرد مسلمان در رابطه به اقتصاد از دیدگاه اسلام کاملاً مشخص شده و او را می داناند که از چگونگی مدارک تحصیل مال و دارایی و موارد مصرف آن مورد باز پرس قرار میگیرد که آیا از طریق حلال کسب شده و یا از وجوه حرام، و در صورت حلال بودن

آیا مسئولانه به مصرف رسیده است یا غیر آن وهمانگونه الله (جل جلاله) از اسراف و تبذیر مسلمان را برحضر داشته میفرماید:

(إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ) {الاسرا ۲۷} یعنی اسراف کننده گان برادران شیاطین اند.

وهم اقتصادی بودن را پیامبر اکرم (ص) در دارایی و نداداری سبب سعادت و نیک بختی دانسته و دوری از فقر و ذلت می خواند (لَاعَالَ مَنْ اقْتَصَدَ) به مشکلات اقتصادی گرفتار نمی شود، کسیکه اقتصاد (میانه روی) را پیشه خود سازد یعنی از اسراف و امساک بدور باشد، در جای دیگر پیامبر خدا (ص) می فرماید: **(إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً وَفِتْنَةُ أُمَّتِي مَالٌ)** در مورد مسئولیت های اجتماعی پیامبر خدا (ص) فرموده اند: **(كَيْسَ الْمُؤْمِنِ بِاللَّذِي يَشْبَعُ وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ)** بیهقی فی شعب الایمان.

مومن نیست کسیکه سیر بخوابد در حالیکه همسایه اش گرسنه باشد.

سود خواری و ربا خواری را اسلام عزیز مذمت کرده و کمترین گناه آن مانند آنست که شخصی با درش زنا کند. زمانیکه سود جوئی

ها و منفعت طلبی های شخصی جای منافع عامه را گرفت، آنگاه
انتظام اقتصاد یک مملکت از چوکات قانون خدا برآمده و بحران
اقتصادی از اثر انحراف اقتصادی ایجاد گردد.

انحراف اخلاقی:

اخلاق پسندیده و اسلامی بسترو عرضه دینداری است،
پیامبر اکرم (ص) اخلاق را ظرف دین دانسته است و حضرت ابوهریره
(رض) از رسول الله (ص) روایت نموده است: **(اَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ
إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا)** ابو داود - دارمی.

مکمل ترین مؤمنان از نظر ایمانی آنانی اند که از نگاه اخلاق
بهترین باشند. بعثت پیامبر اکرم (ص) بمنظور تکمیل مکارم اخلاقی
بوده (انما بعثت لأتمم مکارم الاخلاق) و خداوند (ج) در توصیف
بزرگی اخلاق پیامبر فرموده است: **(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ
عَظِيمٍ {القلم: ۴}** و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری! و خداوند (ج)
فرمان می دهد **(ادْفَعِ بَالْتَنِي هِيَ أَحْسَنُ.....) {المؤمنون: ۹۶}** بدخلقی را
با عمل نیک پاسخ ده....

در صورتیکه مسلمان بدخلقی و بدکنشی را همواره در گفتار و کردار خود ابراز نماید و در رابطه، نزد خالق و مخلوق مسئولیت احساس نکند و یا اینکه تجدید نیت و عمل ننماید و یا معتقد بدان نباشد که بهر شکلی شود بایست خود را متصف به اوصاف مردان بزرگ و تربیت یافته گان واقعی مکتب قرآن نماید، در آن حال اخلاقاً منحرف گشته نه تنها محبوبیتی در میان افراد و جامعه نمیداشته باشد، بلکه از اینگونه افراد، مردم جامعه کلاً متنفر می گردند و حتی نزد یکان و مربوطین او نسبت به او.

و پیامبر (ص) فرموده: (وَ خَالِقُ النَّاسِ بِخُلُقِ حَسَنٍ...) با خلق و خوی نیک با مردم برخورد نمایند با مردم نیک خلقی را همیشه مراعات کرده و با آنها روابط خوب و بهتر داشته باشند.

انحراف اجتماعی:

پیامبر خدا (ص) بپاخاست تا امتی بسازد نه اینکه فقط فلسفه تدوین کند، اجتماع زمانی منحرف میشود که معیارهای اسلامی در نظر گرفته نشود و یا ارزش های معنوی به شکل از اشکال اغماض

صورت گیرد و افراد ناسالم وبی هدف و قدرت خواه و شهرت طلب در اس رهبری همان جوامع قرار بگیرند، و ارتباطات افراد همان جامعه بدون در نظر داشت به مفاهیم معنوی قرآن پاک برقرار باشد، بجای انتقاد گویی و انتقاد پذیری به تملق پسندی؛ بعوض پاکی و شفافیت به رشوه گیری و خیانت اصرار ورزیده شود و محبت غیر الله جایگزین محبت الله در ضمیر و قلوب افراد همان جامعه بخصوص سردمداران آن گردد و در برابر منکرات و زشتی ها بی تفاوتی و در برابر ترویج فواحش بی حس شده و سکوت مرگبار اختیار نمایند و استعمار معنوی و فکری که بدترین و بزرگترین نوع استعمار است در قلوب و مغزهای اقشار مختلف همان جامعه بیداد نماید و افراد آن تخدیر شوند وبی حرکت.

ابوبکر صدیق (رض) در اولین خطبه خویش فرمودند: (ملتی که مساعی در راه خدا را ترک کرد بصورت حتمی ذلیل میگردد و در بین ملتی که فواشش رواج یابد به آسیب عمومی مبتلا میگردد...)

وضعیت عمومی در جهان:

(رویکرد تمام جهان بسوی جاهلیت گردیده و بنا بر عوامل تاریخی، عقلی، طبیعی و خبری پیش گفته اروپای مسیحی به جاهلیت مادی مبدل گشته است، از آموزه های روحی، فضایل اخلاقی و اصول انسانی بازمانده، از پیامبران کاملاً دست شسته و اینک در زندگی انفرادی جز لذت و منفعت مادی، در زندگی سیاسی جز قدرت و غلبه و در زندگی اجتماعی جزمی گرایی و نژاد پرستی ظالمانه، به چیز دیگری باور ندارد، در برابر طبیعت انسانی و اصول اخلاقی سربه عصیان برداشته، به ابزار (ماشینیزم) سخت دل بسته و از اهداف و مقاصد روی بر تافته است....)

((مسلماً حکومت های مادی برای باجگیری نه برای راهنمایی و برای سود بردن نه برای سود و منفعت رسانی تشکیل شده اند.

حکومت های اروپای، ناهنجاری ها، تباهی ها و هرزگی های تمدن غربی را با خود به همراه دارند، از این دولت ها چگونه انتظار و چشم داشت شگوفایی اخلاق و اعمال پسندیده می رود؟ چگونه در سایه چنین حکومت های فاسد که فضایل اخلاقی در سرزمین های شان به

چشم نمیخورد و دراصل این امور برای آنان فاقد اهمیت است و درقبال آن احساس مسئولیت نمی کنند و جزو امور اعتقادی و ارزشی آنان نیست، استعداد و سطح اخلاقی پیشرفت خواهد کرد؟ چراکه از کوزه همان تراود که از اوست...))

دانشمند نامدار علوم طبیعی و رئیس شورای امنیت سرهنگ سنگ در دهلی نو گفت: چهار عدد از بمب های هیدروژنی که هر کدام صد تن وزن داشته باشد می توانند تمام افراد روی زمین را بکشند و از بین ببرند.

با در نظر داشت مطالب فوق الذکر که دانشمندان ابراز نموده اند، دنیا فعلاً تاریک است و هنوز هم بسوی تاریکی و جهالت به پیش میرود و ظلم و وحشت، استبداد و زورگویی و تحمیل آن بر دیگران بشکل مدرن و پیشرفته آن در جریان است، تحت پوشش دموکراسی دین زدایی و بنام حقوق بشر، حقوق اصلی و حقه بشر از او گرفته میشود، هر کس در هر جا از وضعیت موجود نالان بوده و طالب وضع مطلوب می باشند، جاذبه های مادی بر اذهان و قلوب عمیقاً لنگر انداخته و به

جاذبه ها و کشش های معنوی اصلاً توجه صورت نمی گیرد.

مستضعفین پایمال و لگدمال مستکبرین بوده و قانون سازان فعلی هم اکثر آدم خواران و ظالمان اند و فقط جهت تأمین منافع مادی شان در هر کشوری که او را خلاف منافع شان بدانند، جنگ و یورش را در آن کشور تحت پوشش سازمان ملل متحد به راه می اندازند و مثال های عملی آن در گذشته نه چندان دور بلکه تقریباً در حدود ده سال قبل از امروز به بهانه موجودیت اسلحه شیمیایی به عراق یورش نظامی بردند و هست و بود آنرا تباه و بر باد کردند و هنوز هم آتش جنگ در آنجا شعله ور بوده و سوزندگان این آتش ملت مظلوم عراق اند و یا در افغانستان به بهانه جنگ ضد تروریسم و یا تعقیب اسامه بن لادن قوت های خود را داخل نموده و حملات وحشیانه را انجام دادند، در حالیکه در پشت پرده این همه قضایا دست های مخفی و ناپاک خودشان کاملاً دخیل بوده و برنامه های عجیب و غریب و مغلق را راه اندازی نموده اند که از درک اکثر مردم بدور می باشد و امروز وطن عزیزمان افغانستان در آتش جنگ های تحمیلی سوخته و روزانه به ذرایع و وسایط گوناگون و دسیسه های بیگانگان شماری زیادی از

ملت افغانستان در خاک و خون کشیده شده وهست وبودشان تاراج میگردد ودراین روزها به بودن پایگاه های نظامی شان اصرار دارند و می خواهند که از یک عده شخصیت های کاذب و مسلمان نما باردیگر بنام پیمان استراتژیک سند بودن پایگاه های دایمی را بگیرند، اما یک عده شخصیت های با درد وبادرک و مجاهد به شدت آنرا رد نموده اند، ودر لحظاتی که اینجانب "جويا" در حالت تحریر نمودن یک سلسله حقایق بتوفیق پروردگار می باشم، دسیسه دیگری از طرف دشمنان اسلام بالای کشورلیبی طرح ریزی گردیده ونسبت بروز اغتشاشات داخلی وناآرامی ها در آن کشور بمباردمان هوایی وزمینی را امریکا، فرانسه وبریتانیا وسایر هم پیمانان شان آغاز نموده اند که البته تحت پوشش فیصله سازمان ملل متحد که بیشتر جنبه اقتصادی داشته تا دفاع وحمايت از مردم، وراه یافتن به منابع نفتی کشورلیبیا که دوازدهمین کشورنفت خیز در جهان است وهمچنان معادن طلای آن.

استاد جود (Jood) رئیس دانشکده فلسفه و روانشناسی در دانشگاه
لندن در کتاب Guide to modern wickednessp.191-2
می گوید:

((جنگی که بانظارت و سرپرستی ملل متحد صورت می پذیرد،
در راستای اقامه عدالت نیست که تحت نظر پولیس بین الملل برای
گرفتن حق ستمدیده از ستمگرو مجازات آن و در نهایت برپایی
عدالت وارد عمل شده باشد، بلکه این جنگ و درگیری چیزی
جز ایجاد دشمنی بین اقوام و ملت های رقیب بر سر زور و قدرت نیست
و یکی برای حفظ سهم بیشتری از ثروت های جهانی)
استعمار سرزمین های بیشتر) و دیگری برای بدست آوردن آن ها
تلاش میکنند.

در حقیقت این جنگ با جنگ های که میان ملت های رقیب
در گذشته یا جنگ های که بین اتریش و المان و جنگ های که
در طول هفت سال بین فرانسه، روسیه، سوئیس، المان و ایتالیا روی داده
و با جنگ های ناپلیون بناپارت و جنگ جهانی اول، جز در اسم تفاوتی

ندارد، اما اینکه این جنگ ها بخاطر دفاع از دموکراسی، دفاع از سازمان ملل و برای مبارزه با فاشیسم و یورشگری به وجود آمده است، ادعای بی اساس بیش نیست.) استاد جود معلم فلسفه و روانشناس انگلیسی در جای دیگر میگوید:

((نظریه ی حاکم بر عصر کنونی نظریه اقتصادی است، شکم و جیب میزان هر حرکتی است که با توجه به میزان ارتباط آن حرکت با جیب و شکم، به همان اندازه آن حرکت را مورد توجه قرار می دهند.))

اگر از کل جهان به جهان اسلام برگردیم و جهان اسلام را که بایست رهبری بشریت را بدوش داشته باشد مورد مطالعه قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که جهان اسلام فعلاً خودش غریب است و دست نگر بیگانگان، نفاق و شقاق از طرف استعمارگران در بین شان بیداد کرده و دچار بحران های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، معنوی و اجتماعی اند و زعمای و رهبران آنها نیز اجیر و جاسوس و یاتحت فرمان دشمنان اسلام بوده و بدون اجازه آنها نفس کشیده نمی توانند و سرنوشت مسلمانان از طرف دیگران رقم زده می شود

و طرح برنامه های کاری ممالک اسلامی در همه ابعاد از طرف غرب و شرق ریخته شده و شریان های اقتصادی شانرا می مکند و منابع خدا داد سرشار شانرا به انواع حیل و تزویر و نیرنگ چپاول می نمایند، طوریکه دانشمند باایمان ابوالحسن ندوی در رابطه اینطور ابراز نظر میدارد:

((قابل تذکر است که اکنون نیزادیانی، البته بدون نام دین در دنیا وجود دارد که در نفوذ و قدرت، جور و تعدی، بازیچه قراردادن افکار پیروان و داشتن عجایب ازادیان قدیمی کمتر نیستند. این ادیان همان نظام های سیاسی و نظریات اقتصادی است که مردم چون دین و رسالت به آن ها ایمان دارند، مانند نژادپرستی، ملی گرایی، دموکراسی، کمونیستی و دیکتاتوری و.....

باید اذعان داشت تازمانی که جهان اسلام در علم و سیاست، صنعت و تجارت به غرب متکی است، غرب نیز ناگزیر خویش را می مکد، زمینش را حفر می کند و آب حیاتش را استخراج می کند، و هر روز دستاوردهای غرب بازارها و خانه های جهان اسلام را فتح می کند تمام دارایی اش را به یغما می برد.

تازمانی که جهان اسلام از غرب درخواست وام می کند و برای چرخاندن امور کشوری و آموزش سپاهیان از غرب کارشناس می طلبد و کالا و صنایعش را از غرب می خواهد و غرب را به عنوان استاد و مربی می داند و بدون اجازه غرب و بدون مشوره آن بهیچ کاری اقدام نمی کند، با چنین وضعی هزگرمی تواند با غرب روبرو شود چه رسد بر آنکه سر غرب پیروز شود...))

عبدالرحمن کواکبی در کتاب طبائع الاستبداد چنین می نویسد:
((فرد غربی داری زندگی مادی، نفس سرکش، مال اندوز، استعمار گروان مقام جوست. گویا نزدغریبان از مبادی عالی و عواطف شریفی که مسیحیت شرق به آنان منتقل ساخته بود، چیزی باقی نمانده است، برای نمونه فرد آلمانی با قساوت قلب شدیدی معتقد است که عضو ضعیف جامعه مستحق مرگ است و فرد آلمانی فضیلت را در قدرت و قدرت را در مال میدانند، علم را دوست میدارد ولی برای اندوختن ثروت، مجد و بزرگواری را دوست میدارد ولی بخاطر مال، فرد انگلیسی خودپسند و سبکسراست و معتقد است که

عقل در آزادی، زندگی در نابودی حیا، شرافت در زینت و لباس
و عزت در خدعه و تزویر به مردم است.

این تصویر حقیقی سرشت و اساس اروپا و تحلیلی درست از اخلاق
غرب است)).

انسان عصر امروز با همه اختراعات و اکتشافات علمی و بدست آوردن
امتیازات چشمگیری بمقایسه زمانه های گذشته، بیش از پیش به
مایوسیت ها و ناامیدی ها مواجه شده میرود و راه نجات و طرق تأمین
سعادت را که لااقل از تشوشات درونی لحظه فراغت کسب کرده
باشد، سراغ نداشته و کمترین تلاش درین رابطه نکرده و نمی نماید
و هنوز هم بر خود پیچیده و این پیچیدگی ها را توسعه داده و در نتیجه
راه کاملاً به بیراهه استبدال یافته است.

در رابطه به وضعیت عمومی جهان مختصراً باید گفت که تاریکی
جهان و جهانیان را فرا گرفته است و جدان انسانی و جوهرهای نهفته
آن در فغان است، زورگویی و ظلم حدنهایی خود را پیموده و به معراج
خود رسیده است؛ ماهیت اصلی انسان دگرگون و معیار انسانیت
ظواهر پسندی و ضوابط ظاهری است.

عالم انسانیت سیرقهقرایی معنوی را پیموده و اسباب تباهی را خود مهیا میسازد، پیشرفت های مادی و تخریبی در جهت تباهی نسل بشر بکارانداخته شده و ماهیت اصلی انسان مسخ شده است. تازمانیکه انسان از قانون فطرت و خلقت (قرآن پاک) که متضمن سلامت حقیقی اوست، الهام نگیرد و علماً و عملاً در روشنایی کلام پروردگار و روش سرور کاینات حضرت محمد(ص) و دستورات انسان ساز آن وجود ذهنی و محیط درونی خویش را قرار ندهد، دستیابی به کمال و سعادت اصلی و حقیقی مشکل و حتی نامکمل است.

ضرورت به انقلاب:

بنابر تاریکی که در جهان حکم فرماست ضرورت به انقلاب است و آنهم انقلاب شامل و فراگیر همچون انقلاب پیامبر آخر الزمان حضرت رسول اکرم (ص) در ضمیر و وجدان و در دنیای بیرون و واقع و در همه زوایای تاریخ بایست نور این انقلاب روشنی اندازد و پیام دهد و تأثیر اندازد و تغییرات بنیادی و کیفی در همه ابعاد عقیدتی،

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سایر برنامه ها رونما سازد.

تغییر و تحولی که بر بنیاد اساسات قرآن و شریعت رسول خدا (ص) بمیان نیاید و در اثر آن تغییر حاکمیت نظام اسلامی پای به عرصه ظهور نگذارد و حکم خدا (ج) تطبیق نگردد و روی مصلحت پرستی ها استوار باشد و در رأس رهبری آن افراد سلیم. (خودشناس، خداشناس و جامعه شناس و وارسته) قرار نداشته باشد، اینگونه تغییر و تحول را ما از دیدگاه اسلام انقلاب اسلامی گفته نمی توانیم، چرا که پیروزی اسلامی در حدود اندیشه اسلامی است در غیر آن پیروزی نیست ولو که بوسیله مسلمین به پیروزی رسیده باشد و این واقعیت را در وطن خودمان افغانستان بچشم سردیده ایم که با گرفتن قدرت ظاهراً توسط مجاهدین چه پیامدهای خطرناک و شرمبار را با خود همراه داشت، آنهم بخاطریکه از ابتدا و آغاز حرکت های اسلامی در چو کات احزاب متعدد از یکطرف از اصول و مبانی اصیل اسلامی که پیامبر خدا آنرا ترسیم فرموده و عملاً در آن مسیر حرکت نمودند و از یاران مبارکشان قرآن زنده و متحرک ساختند و آن اصول تربیه

و تعلیم افراد سلیم و در راس رهبری قراردادن آنهاست، انحراف و ورزیدند و از جانبی هم از دسایس و توطئه های اغیار (دشمنان اسلام) و خطرناک بودن آن یابی خبر ماندند و یا اینکه در پی کسب قدرت، شهرت و ثروت و درگیر بودن و مصروف بودن به کشت کشتاریکدیگر غرض تحصیل امیال و آرزوهای مادی و بدست آوردن مناطق بیشتر شدیداً غفلت ورزیدند، که این انحراف و یا غفلت نه تنها در جهت اعلای کلمه الله و تحقق پذیری نظام اسلامی کدام موثریتی را بجا نه گذاشت، بلکه در ضربه زدن و بدنام نمودن کلمه مقدس جهاد رول بس بزرگی را ایفا نمود و در نتیجه پس از خون دادن ها، مهاجرت ها، پیاده گردی ها، بمباردمان منازل، تخریب مزارع و تحمل صدها نوع مشقات و تحمیل مصایب گوناگون بر فرزندان صدیق این سرزمین مردخیز و شهید پرور، اگر روس های وحشی کمونیزم شکست خورده و به برکت خون شهدا به فرار از این کشور مجبور گردیدند، به قوت های دشمنان دیگر اسلام و وحشی تر و خون آشام تر از آن راه داری و راه بلدی شد تا قوت های امپریالیزم خونخوار غرب و هم پیمانان کفری شان در حدود کم و بیش چهل و نو

مملکت داخل این خطه باستانی شده و خون هزاران در هزار بیگنا هان وطن ما به نامهای این و آن و عناوین که از طرف آنان گذاشته شده است، ریخته و هنوز هم می ریزد، یعنی اگر در آن روز (هنگام بودن قوت های ارتش سرخ در افغانستان) فرزندان آزاده، مسلمان و غیور و فداکار و مجاهد این مرزبوم را بنام باسماج (شورش) عنوان کرده و به شکل از اشکال زندانی و یاشهید نمودند، امروز تنها عنوان تغییر کرده و بنام تروریزم وزیر نام آن طفلکان معصوم این دیار را بخاک خون می کشند، طور مثال در این اواخر نه کودک در ولایت کنر در خانه هایشان و پنج کودک دیگر در منطقه اله سای تگاب ولایت کاپیسا که مصروف هیزم چینی بودند و هزاران در هزار دیگر در گوشه و کنار افغانستان که حتی وجدان رئیس جمهور فعلی افغانستان آقای حامد کرزی راهم بحرکت در آورده و او را به داد و فغان از ظلم و ستم و جور پیهم خارجیان واداشت و در رسانه های خبری و تصویری انعکاس گسترده یافت.

حال برمیگردیم به اصل موضوع مورد بحث مان (ضرورت انقلاب) بالهام گیری از منابع اصیل دینی که همانا منبع وحی و رسالت های آسمانیست و برای نور و رفتن در مسیر هدایت هیچ نیرو گاهی و منبعی جز آن نیست و همچنان با استناد و اتکا به فرموده های مردان وارسته و دوستان برحق پروردگار، و طراحان اصلی و حقیقی انقلاب اسلامی.

پروردگار عالمیان به امت مسلمه و رهروان راه پیامبر نور و هدایت و منجی عالم بشریت حضرت محمد الرسول الله (ص) بشارت میدهد و به پیروزی های بزرگ و غلبه جهانشمول دین مقدس اسلام بر همه ادیان باطله دیگر وعده میکند (بعد از بعثت پیامبر انس و جان حضرت محمد (ص) همه ادیان آسمانی دیگر منسوخ است و نزد پروردگار در موجودیت دین مبارک اسلام رسمیت نداشته و پیروان شان بنام کافر یاد میشوند، اگر تحریف هم نشده باشند، در حالیکه کتب آسمانی دیگر فعلا دستخوش تحریف گردیده اند).

طوری که در فرموده نوید بخش او تعالی جل جلاله پیروزی کلی و نهایی به نفع دین مقدس اسلام و مسلمین و غلبه آن بر همه ادیان

دیگر بمشاهده می رسد قول تعالی: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا) (الفتح: ۲۸)
پیامبر بزرگوار اسلام نیز به رفعت و تمکین دین و پیروزی و روشنی کلی
مسلمین مژده داده و به روایتی از ابی ابن کعب چنین فرمودند:
(بشر هذه الامة بالسنة والدين والرفعه والنصر والتمكين في
الارض فمن عمل منهم الاخرة الدنيا لم يكن له في الاخرة من
نصيب.)

باین مفهوم (این امت را به آینده روشن و دین و رفعت و پیروزی
و تمکین در زمین بشارت ده، کسانی از آنها که امور آخرت را برای
دنیا انجام دهند برای آنها نصیب در آخرت نیست.)
مسلمانان مؤمنین و پیروان راستین قرآن بایست رهبری کل بشریت را
بدوش گیرند و جهان و جهانیان را از این بدبختی های موجود
و انکارناپذیر نجات دهند و انقلاب جهانی اسلامی را سازماندهی
نمایند، اما چطور و بکدام قوت؟
اینجاست که طراح اصلی و حقیقی انقلاب جهان شمول اسلامی درین
عصرا تو مولىنا محمد عطاوالله "فیضانى" "رح" متكى به ارشادات

قرآن واحادیث سرورالسادات حضرت محمد(ص) تحت عنوان اساسنامه اسلام در بحث اول چنین ابراز نظر میدارند:
(برای تسهیل فهم درک تمثیل دور از بزرگ آتی و ترتیب کار بستن آن کلید پیروزی اسلام و بشریت باشد.

۱. ارتباط بدون تخلخل بیک اصل مطلق یعنی خداوند (ج) و خالق برحق همه این جهان و جهانیان جلت عظمه.
۲. چرخیدن بمحور بیک هسته مرکزی یعنی قرآن دست ناخورده اسلام و به نظر دیگران اساسنامه حزبی و یادینی شان. برای روشن شدن هر چه بهتر موضوعات فوق بجاست تا ساده ترین مثال اثر مستقیم ارتباط بیک اصل عنوان اول را مختصراً توضیح دهیم.

اول- ارتباط بدون تخلخل بیک اصل مطلق....

شما میدانید که از انرژی برق بعصر حاضر فابریکات و ماشین آلات گوناگون باشکال متنوع در جاهای مختلف کارهای چشمگیر و مفید عام و کامل کرده و می کنند، گرچه ظاهراً صورت ماشین های مذکور و حتی فرآورده هایشان با ماکن نصب تفاوت بسیار دارد ولی

بنابر ارتباط شان بمرکز واحد انرژی به تسخیر هر گونه امر مهم برای
بشرو بشریت خدمات بسزایی کرده و می نمایند.

این چنین اگر جماعه مؤمنین با داشتن حرفه ها و لوکه باماکن
مختلف مشاغلی داشته باشند اما باطناً ارتباط واقعی شان بذات احدی
او جل جلاله توسط لین ایمان قوی و روحانیت عالی صورت گیرد بی
شک و شبه انقلاب خاطر خواه را برای صلح و سلامت بشر در جهان
و جهانیان سرگردان افتاده به پرتگاه نابودی بیاری ومد گاری حضرت
باری جل جلاله بمیان آورده می توانند.

دوم- چرخیدن بمحور یک هسته مرکزی.....

هر گاه دقت کنیم کلیه ماشین آلات بزرگ و کوچک که مصدر
کارهای نسبتاً چشمگیری میگرددند، مانند ماشین های موتر، ریل،
طیاره، طباعت، بافندگی، دوخت وغیره... همه وهمه بمحور یک
هسته یاميله اصلی شان چرخیده، ولی کارهای بسی عمده حتی
خارق العاده را انجام میدهند.

هر گاه مؤمنین نیز بمحور یک هسته مرکزی (محبت با خدا) ج
و آرزوی خدمت به خلق الله بغرض شیوع وحدت و معرفت و عدالت

گستری در اجتماع) باصول درست علمی و منطقی عملاً بچرخند
بیشک موفقیت چشمگیر قابل پیشوایی را در جهان بشریت بمیان
خواهند آورد.

هرگاه منوران اسلام بدرک حقایق دوسر عنوان رموز بزرگ
کامیابی فوق که گفته شد دقت نمایند و حقایق آنرا کاملاً بدانند
و چنانکه شاید و باید بهمکاری یاران پاک دل بکار بندند، البته
بکمترین فرصت بابتای زمان خویش و مابعدشان بهر نوع قدرت که
داشته باشند به نوآوری های انقلاب حقیقی و واقعی
(ظاهری و باطنی) مبنی بر اساسات قرآن دست ناخورده اسلام موفق
گردیده و به تقلیب خاص جهان و جهانیان سرگردان و پریشان
امروزی که بدست خویش قبر خود هارا کنده و به پرتگاه نابودی
قرار گرفته اند به بر آوردن شان حتماً چیره می گردند.....))

اشخاص معنوی ورهبری جهان:

اساس و بنیاد انقلاب اسلامی مستقیماً متناسب است به افراد و اشخاص معنوی و شخصیت های معنوی، منحیث طبیب در اجتماع بشری اند که امراض مهلك و بی درمان ناشی از انحرافات عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره رذایل را اولاً طور دقیق تشخیص نموده و عمیقاً از ریشه تداوی می نمایند.

افراد معنوی آنانی اند که بالهام گرفتن از قرآن و عمل کردن به دستورات شریعت رحمه اللعلمین پیامبر اکرم (ص) معناً تکامل کرده اند یا عباره دیگر جهات معنوی آنان رشد و ترقی نموده است، مسلماً انسان موجود دو بعدی بوده، متشکل از بعد معنوی و بعد مادی اگر به جاذبه های معنوی انسان توجه صورت گیرد و تحت تربیه و تزکیه و تصفیه دوامدار در چوکات مکتب وحی (قرآن پاک) از اغذیه مکفی برخوردار گردد، در آن حالت طرف های معنوی انسان شکوفا و سبب قوت گیری نیروی ایمان شخص میشود، برخلاف اگر خواسته های مادی بنا بر جاذبه های دنیوی و نفسانی به شکل مستمر و دوامدار بر آورده شود و قوت بگیرد در آن حالت نفس تقویه گردیده و انسان مادی بوجود می آید.

آثار و علایم انسان معنوی آنست که نیکخواه و نیک کردار بوده
و بخود و بیگانه (بخویشاوندان و غیر آن) نیک بین و خوش برخورد می
باشد، و هیچگاه ضرر رسانیدن از او متصور نیست یعنی بهیچ کس
ضرر نمی رساند.

انسان های معنوی در اثر رابطه داشتن با خدا (ج) همواره طالب آن اند
تا خلق الله را بطرف خدا (ج) دعوت نمایند و ارتباط شانرا به
پروردگار تأمین کنند، بخاطریکه دارای اهداف بلند معنوی و قدسی
اند و شناخت دقیق و کامل از خود، دنیا و مافیهای آن داشته و به خالق
همه مخلوقات معرفت و شناخت حقیقی و اصلی دارند.

شیخ هروی "حنبلی" میگوید: ((معرفت عبارت از احاطه کردن
حقیقت شی است همانطوریکه هست.))

انسان های معنوی از عمق فطرت انسانها برداشت داشته و دارای
احساس عمیق و درک ظریف در این رابطه اند، لهذا انسان هارا
از عمق فطرت مجذوب خود می سازند و از همین جاست که حتی
بعد از مرگ هم تولد میشوند.

انسان های معنوی در تأمین عدالت دست بالایی را دارا اند که دیگران را مقدور نباشد و در این مورد بجا خواهد بود تا دونه نمونه از انسان های معنوی را در رابطه به عدالت شان مختصراً یاد آور شویم:

در عصر فرخنده حضرت عمر فاروق (رض) زمانیکه در مسابقه اسب دوانی، پسر والی وقت پسر یک نفر عادی را به سلی می زند، زمانیکه این خبر به خلیفه مسلمین می رسد، حضرت عمر به والی اینطور پیام می فرستند: از چه وقت شما مردم را برده خود ساخته اید در حالیکه مادران شان آنها را آزاد بدنیا آورده اند؟!

همانطوریکه در عصر خلافت حضرت علی کرم الله وجهه زمانیکه خود آنحضرت زره خود را نزد یک نفر که آنهم غیر مسلمان است می بیند و به یقین می داند که زره آن اوست، با آنهم به زور متصل نمی شود و مراجعه می نماید نزد قاضی شریح که موضوع را فیصله نماید و آن قاضی عادل و با انصاف هم که در برابر امیرالمومنین یک نفر غیر مسلمان را می بیند، خدا را حاضر و ناظر دانسته و از عدل و انصاف یک قدم هم فراتر نرفته سوال می نماید، به آن غیر مسلمان می گوید که در برابر دعوی حضرت امیرالمومنین چه می گوئی؟ آن

مرد اینطور بیان می دارد که زره مال من است در حالیکه امیر المؤمنین هیچگاه دروغ نمی گوید. و پرسش را متوجه حضرت علی کرم الله وجهه نموده می فرماید: در این رابطه کدام شاهد داری؟ حضرت می فرماید: شاهد ندارم اما به یقین میدانم که زره مال من است، قاضی فیصله را نسبت نداشتن شاهد به نفع آن مرد می نماید، زمانیکه آن مرد این منظره بسیار زیبا و عدالت همه جانبه را می بیند که یک نفر غیر مسلمان در برابر خلیفه مسلمین در دادگاه که قاضی به امر او مقرر شده است برنده میشود - از عمق وجدان و فطرت خویش ندا سر میدهد که بیشک این دین حق است و مسلمان میشود.

بیائید ای بشریت دور از اسلام قضاوت نمائیم که فعلاً در جهان چه حالت جریان دارد؟ زور گویی و ظلم به چه پیمانها رسیده است؟ آیا غرض تحمیل سلطه بدیگران چقدر خونها ریخته میشود؟ آیا بخاطر کشور گشائی و دست یابی بمنابع و ذخایر ملل پسمانده از طرف ممالک پیشرفته صنعتی و زورگو در عصر کنونی چه جنجالهای نیست که تحت عناوین مختلف راه اندازی شده است؟

آیا با این روحیه و با موجودیت اینگونه افراد ددمنش خاصتاً
در رأس رهبری می شود که دنیا بطرف صلح و انسانیت و عدالت به
پیش برود و قتل و قتال و خون ریزی از طرف مستکبرین بر مستضعفین
پایان یابد؟ جواب منفی است.

مسلماً با درک اینگونه حقایق که از جانب تربیت یافته گان مکتب
قرآن و مدرسه تربیتی و پرنور سیدالسادات عملاً بمشاهده رسیده
و بمراتب تکرار شده است، اثبات میگردد که فقط تحقق عدالت
بوسیله امتان برحق محمد الرسول الله (ص) در جهان و جهانیان امکان
پذیر است و بس.

و همچنان در رابطه به تأمین امنیت باید گفت که امنیت توسط زوات
شریفی تأمین گردیده میتواند که خودشان امین باشند و از امنیت
درونی و ایمانی برخوردار گردند و امین بودن ارتباط بیشتر به سالم
بودن انسان دارد تا عالم بودن آن. چنانچه پروردگار جلت عظمت می
فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) ﴿الأنعام: ۸۲﴾ (آری) آنها که ایمان آوردند،

و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست؛
و آنها هدایت یافتگانند!»

بر وفق نظریه عده از دانشمندان ((مذهب سلف سالم ترومذهب خلف
که عالمانه تراست و برخلاف مذهب سلف که سالم و قابل اعتماد
است، مذهب خلف عرصه پرسشگری می باشد.))

رسول الله (ص) فرمودند: ((من سلم المسلمون من لسانه ویده
والمومن من امنه الناس علی دمائهم واموالهم...)) پیامبرانیت را
ارتباط داده است به ایمان یعنی کسیکه مؤمن باشد و ایمان در قلب
و مغزش حکومت نماید همه مردم او را از تعرض به مال و خون
دیگران امین می دانند و اگر همه چیز در دسترس او قرار داشته باشد،
هیچگاه از ناحیه همچواشخاص باایمان دیگران تشویش و نگرانی
نمیداشته باشند.

امروز باصرف هزینه های هنگفت در بخش نظامی و تربیه
جواسیس غرض ایجاد امنیت روز بروز بی امنی زیاد شده میرود،
بخاطریکه افراد کاذب در رأس رهبری دنیا قرار دارند و ایمان
در قلوب شان حکومت نمی نماید.

بناءً اگر انتظار امنیت و عدالت از این نوع چهره ها داشته باشیم سخت درگمراهی قرار داشته و سرانجام زیانمند میشویم.

مثالهای عملی آورندگان امنیت در تاریخ اسلام بسیار زیاد است که مامشت نمونه خروار از عصر عمر ابن عبدالعزیز ملقب به عمر ثانی یاد آور می شویم و تأثیرات شخصیت های معنوی در آوردن امنیت را بوضوح مختصراً تحت مطالعه میگیریم و قصه مشهور است که زمانی عمر از دنیا رحلت می نماید چوپان رمه در کوه پی می برد که عمر از دنیا رفت و قتیکه از او پرسش بعمل می آید که چگونه دانستی که عمر از دنیا رحلت کرده؟ او در جواب می گوید: از حمله نمودن گرگان به رمه ام فهمیدم که به یقین عمر از دنیا رفته است.

بیایید ای مسلمانان!

قضاوت بسیار آزاد نمائیم که از ما چه کم شده که فقدان آن باعث بی تأثیری ما در اجتماع و آمدن ذلت های پیهم بر ما گردیده است؟ آیا ما مسلمانان امین هستیم طوری که می شاید؟

آیا ما در تأمین عدالت در فامیل و اجتماع که زندگی می نمائیم لاقیل عدالت را مرعی می داریم یا خیر؟

آیا در قلوب ما ایمان حکومت می نماید که در خفا و ملا از هر گونه
تعرض به حقوق خلق الله و یا حتی مسلمین برکنار باشیم؟
آیا ما روزانه به معیار تلاش در دنیا غرض اعلای کلمه الله ساعی
هستیم؟
آیا ما در بر آوردن خواهشات نفسی خود زیادتر علاقمند هستیم
یا کسب رضای خدا (ج)؟
آیا تشخیص جهت (نصب العین) ما دنیا است یا حصول رضای
پروردگار؟
آیا ما اقلأ انگیزه آوردن حاکمیت نظام اسلامی را در باطن داریم
و یا اینکه انگیزه ها و نیات مادی؟
آیا ما روزانه چقدر در برابر وساوس شیطان مبارزه می کنیم و یا اینکه
تاهنوز وساوس را طور شاید و باید درک کرده نمی توانیم؟
آیا ما تاهنوز وسوسه و الهام را که مقدمه خود شناسیست و اصل است
در دین تفکیک و تشخیص کرده می توانیم؟
آیا در برابر مکاید نفس و وساوس شیاطین تاهنوز آگاهانه در کدام
مقطع زمانی و حیات مان مبارزه کرده ایم؟

آیا ما کدام وقت الهام ملک را تشخیص و آنرا عملی نموده ایم؟
بناءً در صورتیکه در برابر سوالات فوق الذکر جواب منفی بوده باشد
چطور و بکدام وقار معنوی خود را از زیر بار ذلت ها و حملات
گونگون و پیهم اغیار نجات داده می توانیم؟
و یا اینکه چگونه رهبری بشریت و جهت دهی آنها را از عسر بطرف
یسر و از تاریکی بطرف روشنائی و از ضلالت به جهت هدایت که
رسالت اصلی امتان محمد الرسول الله است، کرده می توانیم؟
در حالیکه پیامبر خدا می فرماید: ((بعثتم میسرین ولم تبعثوا
معسرین.))

ترجمه: شما آسانگیر فرستاده شده اید نه سخت گیر.

ربعی ابن عامر در برابر رستم فرمانده لشکر فارس گفت:

((اللَّهُ ابْتَعَثْنَا لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ وَمِنْ

ضَيْقِ الدُّنْيَا إِلَى سَعَتِهَا وَمِنْ جَوْرِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ.)) { ابن

کثیر، البدایه و النهایه }

((خداوند(ج) ما را مبعوث کرده تا مردمان را از عبادت بندگان، به عبادت خدای یگانه و از تنگنای دنیا به فراخنای آن و از جورادیان به عدالت اسلام رهنمونی کنیم))

بدین نتیجه می رسیم که: بعثت پیامبران گذشته بعثتی یک جانبه بوده است اما بعثت رسول خدا (ص) بعثتی دو جانبه و مقرون بوده است، بعثت پیامبر همزمان با بعثت امت، پس دو بعثت صورت گرفته است.

۱. بعثت پیامبر بسوی امت

۲. بعثت امت بسوی امت های دیگر

خداوند(ج) نیز به این نکته اشاره می نماید: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ {آل عمران ۱۱۰}

ابولهسن ندوی در کتاب "ما خسر العالم بانحطاط المسلمين"

در رابطه چنین ابراز نظر می دارد:

((در تاریخ رهبری، رهبری این دین جدید (اسلام) از نظر لیاقت و شایستگی بهترین و قویترین و بزرگترین رهبری بود. زمانی که عرب ها در راه رساندن دعوت اسلامی، خالصانه حرکت نمودند و در این مسیر فنا شدند، خداوند (ج) آنان را به این رهبری برگزید، مردم دنیا چنان نسبت به آنان محبت ورزیدند و به گونه ای از آنان تقلید نمودند که در جهان بی نظیر است، تمام زبان ها در برابر زبانشان، فرهنگ ها در برابر فرهنگ شان و تمدن ها در برابر تمدن شان سرتسلیم فرود آوردند..... این تمدن کامل و فراگیر مدت ها طولانی ادامه داشت و مردم به فکر هیچ نوع انقلاب و شورش جهت رهایی از آن نبودند. نظیر آنچه در امت های مغلوب در تاریخ وجود دارد- زیرا رابطه مردم باین رهبری، رابطه امتی مغلوب باغالب، محکوم با حاکم و غلام با آقای خشن نبود، بلکه رابطه دیندار با دیندار و رابطه مؤمن با مؤمن بود.....))

عصر امروز ضرورت اشد به انسان های معنوی پیدا کرده است تا بشریت را رهبری نمایند و تأثیر انسان های معنوی و وارسته بحدی نزد پروردگار بالامیاشد که رسول الله (ص) در رابطه فرموده اند:

((بهیم یمطرون وبهم یرزقون)) برکت ایشان باران از آسمان فرود
آید و نبات از زمین برآید و ایشان متوکلان حاضرانند که روز و شب
بظاهر و باطن بر درگاه خداوند عزوجل باشند و به برکت ایشان روزی
داده میشوند

(اجسادهم فی الارض وقلوبهم فی السماء) اجساد ایشان (هر چند)
در زمین است و جایگاه قلوب ایشان آسمان است، هرگز جهان
از اولیای خدای عزوجل خالی نباشد که قوام دنیا بایشانست و انسجام
چنین اولیای خدا منتج به رهبری کل بشریت و نجات و سعادت
آنهاست.

((امروز از هر روزی دیگر عظمت این رسالت نمایان تر و درکش
آسان تر گردیده است و برعکس، جاهلیت رسوا گردیده، نارسایی
هایش عیان گشته و تنفر مردم از آن افزایش یافته است.

اکنون هنگام آن رسیده است که رهبری جهان از جاهلیت به
اسلام انتقال یابد مشروط بر اینکه جهان اسلام به پاخیزد و با اخلاص
و عزم راسخ و شجاعت تمام این رسالت را به آغوش گیرد و آن را به

عنوان تنها رسالتی که میتواند جهان را از فروپاشی و نابودی نجات دهد، بپذیرد.))

الهی! در این زمانه ظلم و استبداد، تکبر و تفاخر، قتل و قتال، تفوق طلبی و تجمل پرستی، جاهلیت و کرائیت، شهوات و خرافات و سایر مزخرفات و نابسامانی های ظاهری و باطنی انوار حقایق و اسرار دین را طوری بر قلوب ما و کافه مسلمین بریز تا از تابش آن سوزش و درد و از اشعات آن روشنایی باطن پیدا شده و از اثر روشنایی آن فراست ایمانی و باطنی عمیقی که شناخت سدود و موانع راه قرب او تعالی (ج) را سهل ساخته بتواند و در پر تو این شناخت دشمنان اسلام و ایمان را از پشت پرده ها شناسایی و در ک کرده و تدابیر لازمی که در آن نصرت جهان شمول خدای عیان و نهان مبنی بر پیروزی حق بر باطل جذب گردیده بتواند - اتخاذ نموده بتوانیم .

" وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ " {آل عمران/ ۱۲۶}

نیست مدد مگر از جانب خدای با حکمت!

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. احادیث سیدالسادات (مسلم، بخاری - ابن ماجه - مشکوٰه
بیہقی..)

۳. ماخسر العالم بانحطاط المسلمين - تالیف ابوالحسن علی

الحسن الندوی - ترجمه عبدالحکیم عثمانی

۴. شرح اربعین نبوی - تالیف امام ابی ذکریان شرف ندوی

دمشقی - مترجم محمود محمودی

۵. زن مسلمان - بد قسمت نیست، خوش قسمت است - مؤلف:

داکتر ذاکر نایک - مترجم محسن مهاجر

۶. کیمیای سعادت - جلد اول - تالیف: امام محمد غزالی طوس

۷. الفبای اسرار قرآن (جام و میکروششم) تالیف: مولینا محمد

عطا والله صاحب "فیضانی" (رح)

۸. خودشناسی و خداشناسی - تألیف: مولینا محمدعطاءالله

"فیضانی" (رح)

۹. اخلاق و تربیت در اسلام (مجموعه مقالات) - تألیف: سید

قطب "رح" مترجم - روح الله مازندرانی

۱۰. فقه خانواده در جهان معاصر - تألیف: داکتر وهبه زحیلی -

ترجمه - عبدالعزیز حکیمی

۱۱. مقالات از مشاهده درد های عینی و اجتماعی: تألیف:

انجنیر محراب الدین "جويا"



بیوگرافی مختصر نویسنده (
 انجنیر محراب الدین "جويا"):

محراب الدین "جويا" فرزند مرحوم غلام سخی خان باشنده قریه
گدالی قاصان ولسوالی ده صلاح اندراب ولایت بغلان در سال (۱۳۶۳)
از فاکولته انجیری کابل بسویه فوق لیسانس از رشته برق فارغ

گردیده است که البته تحصیلات ابتدائی را در متوسطه قاصان اندراب و دوره لسه را در تخنیک ثانوی کابل از صنف نهم تا دوازده پایان رسانیده است. بنابراین علاقمندی پدر بزرگوارش که یک شخصیت متدین و علاقمند به خدمت گذاری مردمش بر مبنای عقیده و ایمان بود، در پهلوی دروس فاکولته و مکتب علوم دینی را نیز طور خصوصی به پیش برده است و بعد از فراغت مدت کمی بحیث آمر فابریکه آسیاب سیلوی پلخمری ایفای وظیفه داشته و بنابر تعقیب امنیت دولتی رژیم کمونیستی آنوقت که فقط به جرم مسلمان بودن و نماز خواندن میخواستند وی را دستگیر و راهی زندان نمایند فرار نموده و همراه مجاهدین پیوسته و بعد از مدتی راهی دیار هجرت به پاکستان شدند چرا که در خیمان کمونیست در حین ادامه تحصیل نیز موصوف را مورد تعقیب قرار داده و مدت کمی بازداشت نموده بودند.

وظایف جهادی:

- بحیث یک سرباز اسلام (مجاهد)
- منشی فکری جوانان ولایت بغلان

- مسئول فرهنگی ماورای کوکچه
- استاد درمکاتب جهادی

وظایف دولتی:

- آمر فابریکه آسیاب سیلوی پلخمری ولایت بغلان
- رئیس سیلوی پلخمری
- رئیس سیلوی مرکز - کابل
- رئیس نساجی پلخمری
- رئیس برق غوری ولایت بغلان
- استاد درپوهنتون و تربیه معلم ولایت بغلان طوراftخاری
- رئیس برق ولایت تخار
- رئیس برق ولایت بامیان
- رئیس برق ولایت سمنگان

- استاد در تحصیلات عالی و تربیه معلم ولایت سمنگان
طورافتخاری

وظایف غیر دولتی:

- تیم لیدروانجنیر در دفتر افغان اید مقیم پشاور و سفرها در
داخل مناطق مجاهدین
- فیلد اسیستانت در دفتر (UNHCR) کندز (کمیشنری عالی ملل
متحد در امور پناهندگان)
- پروگرام اسیستانت در (WFP) کابل (پروگرام غذایی جهان)

آثار طبع شده:

- افغانستان در چه حالی؟
- اسلام ارتقا دهنده تحول مثبت سیرفکری انسان و نگهدارنده
آن از جهل و پریشانی
- مقالات از مشاهده دردهای عینی اجتماعی
- گوشه از پیام حج

- مردان وارسته (جلد اول)
 - طلوع نورپرفروغ توحيد الگو آفرين وياس زدای
 - نفاق و عوامل آن
 - مقالات در جرايد اتحاد بغلان- تخار- باميان وساير جرايد
 - مقالات در مجلات تکبير- استقامت و وکالت
 - مطالب در جريده تفکراکادمی علوم افغانستان
 - مضامين در هفته نامه فجر نشریه کانون فرهنگي شهيد
- عبدالقادير "توانا"

آثار که آماده چاپ است

- مردان وارسته (جلد دوم)
- اداره سالم از دیدگاه اسلام
- تشکل شخصیت معنوی انسان
- دراانتظارنور

انتشار دروس و پیام ها به شکل رسانه ای و تصویری

از طریق:

- تلویزیون ملی افغانستان - کابل

- تلویزیون نور - کابل
- تلویزیون ملی بغلان
- تلویزیون ملی سمنگان
- رادیو محلی بغلان
- رادیو حقیقت ولایت سمنگان و سایر رسانه ها (سمعی)

(وبصری)

در پشت کتاب درج گردد

هر کسی و یاهر قوم و ملت و یاهر قدرت مندی اگر بخواهد بدون
در نظر داشت قانون خدا سلطه براند و حکومت نماید و از هوا و هوس
خویش پیروی نموده و تحمیل ظلم بر مظلومین و یابندگان خدا نماید،
طاغوت است.

لذا اسلام در برابر آن هیچگاه سکوت ننموده ، بلکه به مبارزه
دوامدار به پا خواسته تا نابودی کلی آن که همه دین و سلطه
و حکومت تنها از آن خدا باشد مبارزه مینماید: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَّا
تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ) {انفال ۳۹} " و با آنها پیکار کنید،
تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین (و پرستش)
همه مخصوص خدا باشد!"

پیامبر اکرم (ص) انسانسازی نمود، انسان زنده ساخت و روزی پیروز شد که از هر یک یاران قرآن زنده و متحرک ساخت. باید گفت که پیروزی اسلامی در حدود اندیشه اسلامی است، در غیر آن پیروزی نیست و لوبه وسیله مسلمین به پیروزی رسیده باشد.

گر نگردد حق ز تیغ ما بلند جنگ باشد قوم را نا آرجمند

در جنگ و رویارویی که عدالت و انسانیت بوجود نیاید و نظام اسلامی

تحکیم نگردد و حدود الهی به منصفه اجرا قرار نگیرد و برابری

و برادری طبق دستورات دینی تأمین نگردد، آن جنگ و خون ریزی

از نظر اسلام نارجمند بوده و خود یک نوع انحراف سیاسی محسوب

میگردد

از متن

کتاب است